

یک هفته بی خبری



رضا هوشنگی سلطان پور
دانشجوی آموزش ابتدایی



کرونا در زندگی هر کس تأثیری به جا گذاشت. در زندگی ما معلمان نیز غوغایی به پا کرد. خاطرات کرونایی مان با غم، شادی، اشک و لیخنه همراه بود. در اواخر سال ۱۳۹۸ و شروع سال جدید، من دچار بیماری کرونا شدم. حدود ده روز با مرگ دست و پنجه نرم می کردم تا اینکه کم کم و پس از گذشت چند هفته حالم بهبود یافت و به کلاس باز گشتم. با شروع دوباره کلاس های برخط، متوجه شدم یکی از دانش آموزانم به نام محمدامین در کلاس ها حاضر نمی شود و تکلیفی نمی فرستد. مدام از پدر و مادرش دلیل غیبت فرزندشان را پیگیری می کردم، اما جوابم تنها سکوت بود. به پیام هایم پاسخی داده نمی شد. نگران شدم و با مدیر مدرسه تماس گرفتم. از دلواپسی ام در مورد محمدامین و انجام نشدن تکالیفش گفتم. مدیر مدرسه هم از دست آن ها گله داشت که چرا حتی جواب تماس های او را نمی دهند. تازه از بستر بیماری برخاسته بودم و دائم نگران بودم مبدا برای شاگردم یا خانواده اش نیز اتفاقی افتاده باشد یا دچار کرونا شده باشند و من خبر نداشته باشم!

بعد از گذراندن یک هفته با غصه و دلشوره ی زیاد، گوشی تلفنم زنگ خورد. خدای من! محمدامین بود! با ترس و لرز گوشی را جواب دادم. منتظر خبر بد بودم. ناگهان صدای شیرین محمدامین، با همان لهجه ی محلی، در گوشم پیچید: «آقا معلم، ببخشید. من رفته بودم سفر و کتاب هایم را نبرده بودم. خجالت می کشیدم به شما زنگ بزنم. حال که اصرار دارید من درس بخوانم، می شود سؤال های همه ی درس ها را تک به تک برای من بفرستید تا من بخوانم و بعد برای شما بفرستم؟»

فکر کنم حالت انفجار و صورت کج شده از

آموزش شاگردانم بود. فردای آن روز با مدیر مدرسه تماس گرفتم و خبر پیداشدن محمدامین و سلامت او را دادم. ایشان هم از پیگیری های من تشکر کرد. از این برخورد پدر و مادر محمدامین بسیار ناراحت بودم، اما هر طور بود با خودم کنار آمدم و سؤال ها را درس به درس برای شاگردم فرستادم و کمک کردم دوباره با کلاس همراه شود.

خشمم از پشت تلفن هم معلوم بود، زیرا محمدامین زود خداحافظی و گوشی را قطع کرد. کمی که آرام تر شدم، خدا را بابت سلامتی دانش آموزم شکر کردم. حتی از اینکه دلشوره هایم پایان یافته و به غصه تبدیل نشده بود، خوش حال هم بودم، اما از بابت بی دقتی و بی توجهی برخی از اولیا غصه دار شدم. هر چه بود، من معلم بودم و تمام دغدغه ام

دبستان پسرانه ی دو نوبته ی عبداللهی (۲) مدرسه ای دولتی است در ناحیه ی ۲ از استان قم. آقای داود رضایی مدیر آن است. مدرسه در نوبت عصر ۳۲۵ دانش آموز دارد و ۱۰ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۳ نفر است. آقای رضا هوشنگی سلطان پور آموزگار پایه ی سوم است و در کلاسش ۳۴ دانش آموز دارد.

آموزشی
ابتدایی

سفینما

دوره ی بیست و پنجم
شماره ی ۱۴۰۰ | ۶

۱۷